روزنامه شرق

یکشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۹ • ۲۴ محرم ۱۴۴۲ • ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۱۵ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

در پی ارتحال آیت‌الله صانعی

تسلیت مقام معظم رهبری

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی درگذشت مرحوم مغفور آیت‌الله حاج شیخ یوسف صانعی را تسلیت گفتند. متن پیام مقام معظم رهبری به این شرح است: بسم‌الله‌الرحمن الرحیم، درگذشت...

صفحه ۳

در پی ارتحال آیت‌الله صانعی

پیام تسلیت رئیس‌جمهور

گروه سیاست: رئیس‌جمهور در پیامی ارتحال آیت‌الله حاج شیخ یوسف صانعی را تسلیت گفت. متن پیام حجت‌الاسلام حسن روحانی به‌این شرح است: «ارتحال عالم ربانی حضرت آیت‌الله حاج شیخ یوسف صانعی، موجب اندوه و تألم گردید. این فقیه مبارز...

صفحه ۳

آیت‌الله یوسف صانعی در ۸۳ سالگی درگذشت

خاموشی فقیه پویا

تسلیت شخصیت‌های مذهبی و سیاسی

فاضل میبدی:
اجتهاد مبتنی بر عقل و عدالت

سیدرضا اکرمی:
یک عمر تلاش در مسیر فقه پویا

هادی قابل:
برای ایجاد تحول در حوزه به ایشان امید داشتیم

صفحه ۲ و ۳

تیتر دو

بیش از نیم قرن حبس برای طبری

زندان پایان راه متهمان پرونده فساد در دستگاه قضا

صفحه ۲

تیترها

عبور از بورس

صفحه ۵

جوابیه حزب مؤتلفه اسلامی به چند گزارش

صفحه ۳

بودجه‌های واقعی طرح‌های توهمی

صفحه ۹

اسکورسیزی همچنان بر نگاتیو در سینما تأکید دارد

گفت‌وگو با عباس بهارلو

صفحه ۶

هند به همکاری با ایران نیاز دارد

گفت‌وگو با پیرمحمد ملازهی

صفحه ۴

سرمقاله

انتخابات آمریکا و اقتصاد ایران

احمد عظیمی‌بلوریان . استاد پیشین مریلند

ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، سخن آخر خود را درباره انتخابات ریاست‌جمهوری کشورش این‌گونه مطرح کرده که رأی‌نیاوردنش تنها یک دلیل خواهد داشت و آن تقلب در انتخابات است. با این‌گونه سخن‌گفتن یا اتهام‌زدن، چه ترامپ برنده و چه بازنده انتخابات شود، نتیجه انتخابات برای مردم آمریکا و جهان دو مسیر کاملا مشخص را روشن می‌کند. اگر ترامپ بتواند با هر ترفندی که به کار می‌گیرد، برنده انتخابات شود، شکاف میان جامعه ثروتمند و اکثریت بی‌نوای آمریکا که دور پرچم حزب دموکرات می‌چرخند، افزایش خواهد یافت. این پدیده به احتمال زیاد منجر به شدت‌گرفتن تنش‌های خیابانی و رویارویی مردم - به‌ویژه اقلیت آفریقایی‌تبار - با دولت خواهد شد؛ پدیده‌ای که کلا خارج از تصور بنیان‌گذاران «ایالات متحده» بوده و ای بسا منجر به ازهم‌پاشیدن ساختار سیاسی آمریکا و جدایی برخی از ایالات از نظام کنونی آمریکا شود. این بخش از گفت‌وگو سر دراز دارد و خواننده را از موضوع اصلی این نوشتار دور می‌کند. اینکه در نتیجه انتخابات در دو، سه ماه آینده آمریکا چه بلایی سر آمریکا می‌آید، یک موضوع داخلی برای آمریکاست. نکته مهم در این نوشتار برای ایران و ایرانیان، تأثیر انتخابات آمریکا بر ایران و ساختار اقتصادی ایران است. اگر ترامپ بتواند با سودمندی از هر ابزار در انتخابات برنده شود، میزان فشار آمریکا بر ایران و اقتصاد ایران و نیز بر هم‌پیمانان تازه ایران مانند چین و روسیه افزایش خواهد یافت؛ این نیز داستان پیچیده دیگری است که ادامه آن ما را از موضوع اصلی این نوشتار دور می‌کند.آیا اگر جو بایدن، نامزد دموکرات‌ها، برنده انتخابات ریاست‌جمهوری شود، انتخاب او چه تأثیری بر اقتصاد ایران خواهد گذاشت؟ نخستین تأثیر آن کاهش فشار اقتصادی خواهد بود که ترامپ در دو، سه سال گذشته بر اقتصاد ایران تحمیل کرده است. کاهش فشار به این معنی نیست که دموکرات‌ها عاشق چشم و ابروی ایران هستند، بلکه خط‌مشی آنها از جمهوری‌خواهان متفاوت است. در واقع همین دموکرات‌ها بودند که برجام را به ایران تحمیل کردند. کاهش فشار به این معنی هم نیست که دموکرات‌ها از پیمان همکاری ایران و چین و روسیه خوششان می‌آید؛ اما دموکرات‌ها جنسا نرم‌تر از جمهوری‌خواهان هستند. در جنگ جهانی دوم، آمریکا که سرکرده کشورهای سرمایه‌داری جهان بود و بریتانیا که در رأس کشورهای استعمارگر قرار داشت، به‌خاطر رویارویی با آلمان نازی و تجاوز روزافزون نیروهای هیتلر و موسولینی به کشورهای غربی و شرقی اروپا، با شوروی که یک قدرت بزرگ کمونیستی بود، متحد شدند که آلمان را شکست دهند. نیروهای متفق ایران را از این نظر اشغال کردند که رضاشاه با آلمان‌ها همدست شده بود؛ اما پس از نابودکردن آلمان و بمباران اتمی ژاپن - هم‌دست دیگر آلمان نازی - ایران را تخلیه کردند و با ایجاد پیمان‌های منطقه‌ای مانند ناتو و سنتو شوروی را محاصره کردند و پرده آهنین کشیدند و تا فروپاشی نظام شوروی دست از فشار برنداشتند. امروز کشورهای آزادشده از نظام اتحاد شوروی در غرب و شرق دریای خزر دارند نفس آرام‌تری می‌کشند اما خیلی محترمانه به چنگال غرب به‌ویژه آمریکا افتاده‌اند.روی‌کارآمدن دموکرات‌ها در آمریکا در سال آینده میلادی به احتمال بسیار زیاد فشار کنونی اقتصادی‌ای را که ترامپ بر ایران وارد کرده، تعدیل خواهد کرد. از جمله این تعدیل‌ها، آزادی هرچند نسبی ایران در زمینه فروش نفت خواهد بود. به گفته وزیر نفت، امروز حکومت ایران نمی‌تواند یک قطره نفت بفروشند. نفت البته در کشورهای خلیج فارس از جمله ایران به‌دلیل ناتوانی دولت‌های گذشته در آینده‌نگری، به منبع اصلی درآمد کشورها تبدیل شده بود. هنوز هم بزرگ‌ترین منبع درآمد در همه کشورهای نفت‌خیز خلیج فارس - به‌جز ایران- فروش نفت و گاز و مشتقات آنهاست. البته اقتصاد متکی به درآمد نفت یک اقتصاد سالم نیست، اما این بحث در دوران بحران‌های پیش‌بینی‌نشده اقتصادی جایی در جامعه ندارد. کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه برای کشورهای آمریکایی، اروپایی و خاور دور حالت کارگاه‌های ساختمانی پرسود را دارند. پول فروش نفت را از راه برج‌سازی و آسمان‌خراش‌سازی در خلیج فارس به کشورهای خریدار نفت برمی‌گردانند و بچه‌های شیوخ عرب با داشتن پول فراوان و خرید گران‌ترین خودروهای آخرین سیستم اروپایی در قمارخانه‌های اروپا و آمریکا جولان می‌دهند و تفریح می‌کنند. بینوایان مهاجر به کشورهایی چون امارات نیز مانند بردگان سده‌های میانی خدمات کارگری مورد نیاز کارفرمایان اروپایی و آمریکایی در این امیرنشین‌ها را تأمین می‌کنند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

فقدان عناصر ارتباطی در یک طرح ارتباطی مجلس

حبیب‌الله معظمی

مجلس شورای اسلامی در تمام ادوار خود از آگاهی بصیرانه و عالمانه نسبت به حوزه فرهنگ و ارتباطات رنج برده و شگفتا که رنج‌بری بوده که درد را حس نکرده و از آن بدتر رنج و درد را از این بابت انکار کرده است.

این وضعیت فقط شامل ساختمان هرمی بهارستان نمی‌شود بلکه آن‌سوتر شامل سازمانی به نام مرکز پژوهش‌های مجلس هم می‌شود که علی‌القاعده اتاق محتواساز طرح‌ها و بررسی لوایح در مجلس است و آن وضعیت موصوف نیز برای این سازمان، شگفت‌انگیزتر است.

ما طی سال‌ها و دهه‌ها تاکنون هیچ خروجی قابل اعتنا و نیمه‌اعتنای متکی بر علوم ارتباطات از مرکز پژوهش‌های مجلس در حوزه ارتباطات و رسانه‌ها را شاهد نبوده‌ایم درحالی‌که این همه در تریبون مجلس از رسانه‌ها، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و به طورکلی ارتباطات حرف زده می‌شود و حتی یکی از وعده‌های راه‌یافتگان به مجلس یازدهم همین حوزه ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی بوده است. گویی که مسائل جامعه ما فقط و فقط، سیاست و اقتصاد است.چنین شرایطی باعث می‌شود تصمیماتی که مجلس اتخاذ می‌کند، فاقد جنبه‌های عالمانه علوم ارتباطات باشد که یکی از پرسروصداترین آنها اعطای اختیار شبکه‌های نمایش خانگی به صداوسیماست.

من در این نوشته فقط به جنبه ارتباط‌شناسی و علوم ارتباطات مربوط به این طرح مجلس می‌پردازم که در بحث‌ها و نقدهای تاکنون در واکنش به این طرح، مغفول مانده است.

تمرکززدایی از رسانه‌ها

«شبکه نمایش خانگی» یک رسانه است کم‌وبیش شبیه نمونه‌های خارجی آن. یکی از بحث‌های جدی در علوم ارتباطات موضوع انتقاد از تمرکز رسانه‌ای است. براساس این بحث‌ها باید از تمرکز رسانه‌های گوناگون در یک جا یا دست یک فرد یا یک سازمان جلوگیری کرد چون مانع چندصدایی و رنگارنگی پیام‌ها می‌شود. این نقد به‌خصوص متوجه جامعه سرمایه‌داری است که مثلا نت‌فلیکس؛ شبکه اول جهانی پخش اینترنتی فیلم نباید توأمان هم مالک روزنامه و هم تلویزیون باشد. اما جالب است که در کشور ما با چنین طرحی مجلس دارد همان مدل تمرکز رسانه‌ای مورد انتقاد در جامعه سرمایه‌داری را دنبال می‌کند. دادن اختیار شبکه‌های نمایش خانگی به سازمان صداوسیما عملا حرکت ناصواب به سوی الگوی تمرکزگرایی رسانه‌ای مطرود جهانی است. وقتی دانشمندان علوم ارتباطات روی پرهیز از تمرکزگرایی رسانه‌ای تأکید می‌کنند منظورشان چیزی شبیه تفکیک قوا در نظام سیاسی است که اختیارات و قدرت قوای سه‌گانه در یک قوه متمرکز نشود. از منظر این بحث، این طرح مجلس عین واپس‌گرایی است. اگر بخواهیم همچون تجربیات موفق جهانی و مطابق با اصول دانش ارتباطات، عمل کنیم و بر این مبنا تصمیم ارتباطی بگیریم، روزنامه‌داشتن صداوسیما یعنی انتشار روزنامه جام جم و حتی مجلات سروش و... این سازمان خلاف این اصول و تمرکزگرایی و پیش‌مقدمه انحصار این سازمان است که در دنیای امروز کاملا محکوم است.

این نکته هم خالی از لطف نیست؛ اضافه شود که ما عملا با این طرح مجلس، تناقض را در جامعه تشدید می‌کنیم. آنجا که بارها و بارها مسئولان کشور از واگذاری امور مشخصا اقتصادی به مردم و تفویض مالکیت‌ها و اختیارهای اقتصادی و غیراقتصادی حکومتی و دولتی به مردم گفته و می‌گویند اما برخلاف آن و در عمل چنین اقدامات تمرکزگرایانه‌ای انجام می‌شود.

تنوع و رقابت تجلی اصلی رسانه

به همان اندازه که مثلا تمام انواع محصولات غذایی با برندهای گوناگون را در قالب یک برند درآوردن، مذموم است که امکان رقابت با صداوسیما را از امثال رسانه شبکه نمایش خانگی سلب کنیم. علت اساسی تأکید بر رقابت در رسانه یا هر حوزه دیگری مثلا صنعت، مسئله مهم «کیفیت» است. خروجی و نتیجه به‌رسمیت‌شناختن رقابت در میان حوزه‌های مولد (رسانه، صنعت، فرهنگ و...) ارتقای کیفی محصول تولیدی است که این نیز ناشی از استفاده از تمام ظرفیت‌های جامعه می‌شود چراکه همه ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و فکرها تمایلی ندارند در یک رسانه و فقط در یک رسانه خود را به عموم عرضه کنند. طرح مجلس قطعا پیامدهای ناگواری برای کیفیت فیلم و نمایش تصویری در ایران خواهد داشت که مسئولیت آن متوجه عاملان این طرح است. وجود رسانه «شبکه نمایش خانگی» در کنار صداوسیما رقابت را به مثابه یکی از بهترین تجلی‌های فرهنگی به منصه ظهور می‌رساند چراکه این حوزه، عرصه فکر و بازار پیام است. بنابراین در این بازار باید به قواعد آن تن داد و تنوع و گوناگونی برای سلیقه‌های متفاوت را به رسمیت شناخت.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

دولت، بورس و ۳ دغدغه

ناصر ذاکری
کارشناس اقتصادی

تلاطم این روزهای بورس، توجه ناظران و اهل فن را به این نکته جلب کرده است که به‌راستی وظیفه دولت و تعهدات آن در ارتباط با بورس چگونه باید تعریف شود؟به‌ویژه صحبت‌های اخیر وزیر اقتصاد در رابطه با بورس که به نقش محوری آن در اقتصاد اشاره و تأکید کرده است، نشان از اهمیت این سؤال دارد. در شرایط امروز اقتصاد ایران، ارتباط دولت با بورس را در سه حوزه می‌توان بررسی کرد:

۱ - با عنایت به گستردگی بازار سرمایه و حضور سهامداران کوچک و بزرگ در این بازار، دولت موظف است با نظارت مستمر خود از حقوق این گروه بزرگ دفاع کند تا گرفتار رفتار سودجویانه احتمالی برخی سوداگران نشوند؛ همان‌گونه که در سایر بازارها هم شهروندان از دولت و دولتمردان به‌درستی انتظار حضور و نظارت کارآمد و ملزم‌کردن تولیدکنندگان به رعایت استانداردها را دارند. جلوگیری از عرضه سهام با ریسک بالا، جلوگیری از تلاش سازمان‌یافته برخی فعالان برای ارائه اطلاعات غلط به سهامداران و فریفتن آنها و به یک کلام جلوگیری از تشدید رفتار سودجویانه در بازار که نتیجه آن متضررشدن سهامداران خواهد بود، جزء وظایف مسلم دولت است.

۲ - بورس و بازار سرمایه به‌مثابه پیشانی اقتصاد کشور است و با رونق این بازار می‌توان به تداوم رشد و شکوفایی اقتصاد ملی امیدوارتر شد. ازاین‌رو، دولت می‌باید با نظارت بر عملکرد این بازار مهم و تقویت آن، اقتصاد کشور را در مسیر بهبود هدایت کند. چنین نظارتی بسیار مهم‌تر، حساس‌تر و کارسازتر از نظارت معمول بر بازار کالاهای مصرفی و مثلا ملزم‌کردن تولیدکنندگان به رعایت استانداردهاست. با عنایت به این نکته مهم، دولت باید تلاش کند بخش بیشتری از شرکت‌های تولیدی و تجاری کشور شرایط حضور در بورس و عرضه سهام را کسب کنند و به این ترتیب سهم دارایی‌های بورسی در کل اقتصاد کشور افزایش یابد. شکل‌گیری فرابورس در بازار سرمایه کشورمان در سال‌های گذشته را می‌توان گامی مثبت در این مسیر تلقی کرد.

۳ - حوزه سوم به‌ویژه در اقتصاد امروز کشور ما اهمیتی خاص یافته است. دولت در مقام یک بزرگ‌مالک، سهامدار بنگاه‌های بزرگی است که باید سهام و مدیریت آنها را به عموم مردم واگذار کرده و خود به وظایف اصلی خویش در عرصه اجتماع بپردازد. عرضه این سهام در بورس، علاوه بر افزودن به رونق این بازار مهم و تأثیرگذار، درآمدی بزرگ را نصیب دولت می‌کند که در شرایط تحریم می‌تواند تأثیری جدی در عملکرد آن داشته باشد. حال سؤالی که مطرح می‌شود، این است که دولت در هریک از این سه حوزه چگونه وارد شده و تا چه میزان موفقیت کسب کرده است؟ یا به بیان دیگر، این سه دغدغه دولت و دولتمردان چه مابازایی در عملکرد دولت در عالم واقع داشته و دارد؟در حوزه اول، با مروری بر عملکرد سال‌های گذشته و اتفاق‌هایی که در بازار سرمایه افتاده، می‌توان ادعا کرد نقش نظارتی دولت بر عملکرد بازیگران بزرگ در این میدان آن‌چنان نبوده که رضایت سهامداران به‌ویژه سهامداران خرد را جلب کند. ساختار بازار سرمایه در کشور ما و نقش مسلط بازیگران بزرگ در این بازار، به‌گونه‌ای است که نظارت مؤثر بر آن بسیار دشوار است. به بیان دقیق‌تر، در این بازار نیز مثل سایر بازارها، بازیگران کوچک چندان حمایتی نصیبشان نمی‌شود و خود باید مشکلاتشان را حل کنند.در حوزه دوم، عملکرد دولت برای سال‌های سال چندان رضایت‌بخش نبوده است. بهترین شاهد برای این مدعا، سهم اندک دارایی‌های بورسی نسبت به سایر اشکال دارایی به‌ویژه املاک و مستغلات است. برای سال‌های طولانی، ارزش کل دارایی‌های بورسی کشور در حد ارزش املاک و مستغلات فقط یکی از محلات تهران ارزیابی می‌شد. علت این کوچک‌بودن، از یک سو گسترش تقاضای سفته‌بازانه در بازار مستغلات و بی‌اعتنایی دولت به این پدیده مخرب بوده و از سوی دیگر توفیق‌نیافتن بورس در جلب اعتماد شهروندان و در نتیجه ورود اندک نقدینگی به این بازار مهم. به بیان دقیق‌تر، دولت موفقیت چندانی در رونق‌بخشیدن به بورس و مبدل‌کردن آن به قلب تپنده اقتصاد کشور نداشته است.اما در میدان سوم مسئله بسیار متفاوت است. دولت در چند ماه گذشته با عرضه سهام در بازار و تلاش برای جذب نقدینگی سرگردان، موفقیت چشمگیری در میدان فروش سهام و تأمین نقدینگی مورد نیاز خود داشته است.

نکته‌ای که در این میان جلب توجه می‌کند، نابرابری درجه موفقیت دولت در این سه میدان است. برخلاف میدان‌های اول و دوم که دولت توفیقی نسبی داشته و هرگز نتوانسته رضایت کارشناسان و ناظران بی‌طرف را از نظر شیوه اقدام خود جلب کند و به‌اصطلاح نمره قبولی بگیرد، در میدان سوم توانسته عملکرد درخشانی داشته باشد.

ادامه در صفحه ۲

حرف اول

دختران کتاب ریاضی مسئله این است!

فریدون مجلسی

چند روز پیش تغییر ظاهرا کوچکی در نقش روی جلد کتاب درس ریاضی کودکان چنان رنجشی آفرید که مانند سیل شبکه‌های اجتماعی را درنوردید و موجب نوعی همدردی و اعتراض همگانی و واکنش وزیر آموزش‌وپرورش شد. گفتم تغییری ظاهرا کوچک؛ یعنی با وجود بهانه‌ای که مرتکبین آن تغییر درباره کوچکی آن خواهند آورد، باید عرض شود که مردم با توجه به رفتارهایی که با آنها شده است، درباره هر عملی که در آن احساس اهانت بیشتر درباره خودشان یا همسران و فرزندان و کسانشان بشود، بسیار هوشیار، حساس و زودرنج‌اند. «مسئله» را که داستانی مکرر است، همه می‌دانند. موضوع زدودن نقاشی دو دختر بچه محجبه در حال جابه‌جایی اشکال هندسی و اعداد در این سوی درختی است با نقوش ریاضی که برای من یادآور داستان درخت سیبی هم بود که سقوط سیبی از آن برای نیوتن نامدار جرقه‌ای بود که به کشف نیروی جاذبه و قوانین حاکم بر آن انجامید. تصویر روی جلد کتاب هرچه در گذشته بوده به همان صورت حفظ شده و فقط دو تصویر نقاشی دختران از سمت چپ تصویر حذف شده و تصویر دو پسرک بازیگوش و اشکال هندسی و اعداد پیرامون آنها در سمت راست درخت به‌جای خود باقی است. همین! اینکه مهم نیست، طوری نشده! رنجش و این‌همه جیغ‌وداد ندارد! چه رؤیای ناسالمی در ذهن دستور دهنده و حذف‌کننده بوده که چنین رفتار نامعقولی را با دختران و خواهران ما روا داشته است؟ شاید حسادت به خاطر ابراز لیاقت‌ها و برتری‌های آنان باشد؟ نمی‌خواهم ناگهان جست بزنم به مریم میرزاخانی، نابغه فروتن و محجوب و محبوبی که هنوز هم‌وطنانش داغدار و ماتم‌زده از دست رفتنش هستند، یا به انوشه انصاری استاد ریاضی و فیزیک و رایانه که با علم و دلیری و توانمندی شخصی و به هزینه غبطه‌برانگیز خود نخستین زن مسافر فضایی شد. اینان که در وطن ارج و منزلت در شأن خود را نداشتند. می‌خواهم به آن ۶۰ درصدی بپردازم که با وجود تبعیض و محدودیت‌ها دانشگاه‌ها را انباشته‌اند. چندین‌ماه پیش که از کرونا خبری نبود، بیمار شدم. با اینکه واکسن زده بودم، فکر کردم آنفلوانزای خفیفی است و رفع می‌شود. نشد!

ادامه در صفحه ۲